

دکتر رابرت ای. پترسون، مکاشفه و کتاب مقدس جلسه ۹، الهیات مکاشفه عمومی، شناخت خدا از طریق مکاشفه خاص،

انواع عهد عتیق، عبرانیان ۱: ۱-۲

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریس خود در مورد مکاشفه و کتاب مقدس. این جلسه ۹ است، الهیات مکاشفه عمومی، شناخت خدا از طریق مکاشفه خاص، انواع عهد عتیق، عبرانیان ۱: ۱-۲.

ما مطالعه خود را در مورد مکاشفه خدا با الهیات مکاشفه عمومی ادامه می‌دهیم، در حالی که سعی می‌کنیم همه چیز را به طور سیستماتیک کنار هم قرار دهیم. ما واقعیت عینی مکاشفه عمومی خدا را تأیید می‌کنیم.

خداوند خود را به همه مردم، همیشه و همه جا آشکار می‌کند. او خود را در خلقت آشکار می‌کند، مزمور ۱۹ و ۲، رومیان ۱: ۲۰ و ۲۱، یوحنا ۱: ۴ و ۵. او خود را در انسان‌ها، طبیعت اخلاقی، رومیان ۱: ۳۲، رومیان ۱ و ۱۵، و جامعه ۳: ۱۱ آشکار می‌کند. او در مرحله سوم، خود را در مشیت الهی خود آشکار می‌کند ۱۴: ۲. اعمال رسولان ۱۴: ۱۵ تا ۱۷، اعمال رسولان ۱۷: ۲۶، ۲۷. بنابراین خداوند همه مردان و زنان را با دانش خود بمباران می‌کند.

جهان پیرامون ما به سازنده‌اش گواهی می‌دهد. ساختار اخلاقی ما به خدا گواهی می‌دهد. فوایدی که او با بارش باران به بشریت می‌بخشد، به او گواهی می‌دهند.

مکاشفه عمومی چه چیزی را در مورد خدا آشکار می‌کند؟ این مکاشفه وجود و جلال او را آشکار می‌کند، مزمور ذات الهی، قدرت و نقش او را به عنوان خالق آشکار می‌کند، رومیان ۱: ۲۰. قدوسیت، عدالت و عمل ۱۹: ۱. داوری او را آشکار می‌کند، رومیان ۱۴: ۲ و ۱۵. خوبی او را آشکار می‌کند، اعمال رسولان ۱۷: ۱۴ و اعمال رسولان ۱۷: ۲۶ و ۲۷. سایر صفات الهی از اینها استنباط می‌شوند، مانند حکمت، زیبایی و جلال که به سرعت به ذهن خطور می‌کنند.

وحی عمومی خدا جهانی است، در همه زمان‌ها رخ می‌دهد و شامل همه مردم می‌شود. بنابراین ما نمی‌توانیم از وحی او دور شویم. ما هر روز قضاوت می‌کنیم.

ما هر روز قضاوت‌هایی می‌کنیم که واقعیت شریعت خدا را که در ذات ما حک شده است، آشکار می‌کند، رومیان ۲: ۱۴، ۱۵. وقتی به آسمان یا هر موجودی نگاه می‌کنیم، کار دست او را می‌بینیم. ما نمی‌توانیم میوه یا سبزیجات بخوریم بدون اینکه در معرض نیکویی مشیت الهی قرار بگیریم، اعمال رسولان ۱۵: ۱۴ تا ۱۷.

او زمان‌ها و مرزهای ملت را تنظیم می‌کند تا مردم او را جستجو کنند، اعمال رسولان ۱۷: ۲۷، ۲۸. خدا شناخت خود را پنهان نمی‌کند. همچنین جنبه‌های ذهنی از مکاشفه عمومی وجود دارد.

چه چیزی به انسان‌ها منتقل می‌شود؟ آنها چگونه به آن واکنش نشان می‌دهند؟ پولس تعلیم می‌دهد که خداوند مکاشفه عمومی بیرونی خود را برای همه مردم روشن می‌کند، رومیان ۱: ۲۰. آنها وقتی به چیزهایی که خدا آفریده است نگاه می‌کنند، ویژگی‌های او را درک می‌کنند. به این معنا، همه خدا را می‌شناسند.

در مورد مکاشفه عمومی درونی نیز همین‌طور است. مردم هر زمان که در مورد اعمال خود قضاوت می‌کنند یا خود را توجیه یا متهم می‌کنند، شناخت قدوسیت خدا را نشان می‌دهند، رومیان ۱۵:۲. به این معنا، آنها برای خود و دیگران مکاشفه‌ای از قدوسیت و عدالت خدا هستند.

با این حال، اگرچه خداوند به طور عینی خود را به همه ما آشکار می‌کند، و اگرچه او مراقب است که این وحی به ما برسد، ما آنطور که باید از وحی خداوند در خلقت، وجدان یا مشیت الهی بهره‌مند نمی‌شویم. برای دیدگاه‌های تاریخی و معاصر در مورد وحی عمومی، به دانیل استرنج در فصلی با عنوان «وحی عمومی» در کتابی با عنوان «ایمان از طریق شنیدن می‌آید، پاسخی به شمول‌گرایی»، ویرایش شده توسط کریستوفر مورگان و من مراجعه کنید. باید بگوییم و من. تا زمانی که مسیح را نشناسیم، ما به طور فعال افشای خوب خداوند از خودش را سرکوب، تحریف و سوءاستفاده می‌کنیم.

ما با مکاشفه عمومی بیرونی او مخالفت می‌کنیم و با غرور و طغیان، دانش خدای زنده را با بت‌ها معاوضه می‌کنیم. ما با به کار بردن حس اخلاقی خود در ریاکاری، رومیان ۲:۲ و ۳ و موارد دیگر، از مکاشفه عمومی درونی او سوءاستفاده می‌کنیم. یا با افراط در آنچه می‌دانیم اشتباه است و دیگران را نیز به انجام همان کار ترغیب می‌کنیم.

ما از نیکویی الهی بهره‌مند می‌شویم اما جلال او را به جا نمی‌آوریم و در عوض بت‌ها را می‌پرستیم، حتی بت‌هایی که خودمان در ذهنمان می‌سازیم. من الان در مورد سوم هستم. اعمال رسولان ۱۴:۱۴ تا ۱۷، اعمال رسولان ۲۸ تا ۲۶:۱۷.

خداوند صبور است، اما در پاسخ به چنین سرکشی و ناسپاسی انسانی کوتاهی نخواهد کرد. او در موعظه انجیل، رستگاری در مسیح را برای همه کسانی که ایمان می‌آورند، ارائه می‌دهد. اما او همچنین خشم خود را علیه همه کسانی که مصرانه با وحی عمومی مخالفت می‌کنند، نشان می‌دهد.

رومیان ۱:۱۶ تا ۱۸. او چنین افرادی را به امیال گناه‌آلودشان وا می‌دارد و به آنها اجازه می‌دهد تا بت‌پرستی را دنبال کنند، گناه کنند و از افکار تاریک رنج ببرند. رومیان ۲۱:۱ تا ۲۸.

او کسانی را که می‌دانند چه چیزی درست است اما مرتکب اشتباه می‌شوند، به درستی محکوم خواهد کرد. رومیان ۱:۳۲. کسانی که در قضاوت‌های اخلاقی خود ریاکار هستند، در روز غضب، زمانی که داوری عادلانه خدا آشکار می‌شود، خشم را برای خود ذخیره می‌کنند.

رومیان ۵:۲. در مجموع، به دلیل واکنش‌های گناه‌آلود این افراد به مکاشفه عمومی، خدا آنها را بدون هیچ عذری نگره می‌دارد. رومیان ۱:۲۰. سوالات دیگری مطرح می‌شود.

آیا الهیات طبیعی، الهیاتی که مبتنی بر مکاشفه عمومی باشد، نه کتاب مقدس، برای افراد نجات نیافته امکان‌پذیر است؟ همانطور که دیده‌ایم، برخی از حقایق در مورد خدا از طریق مکاشفه عمومی می‌درخشد. وجود و جلال خدا. مزمور ۱۹: ۱. طبیعت، قدرت و نقش الهی به عنوان خالق.

رومیان ۱:۲۰. تقدس، عدالت، عمل داوری. رومیان ۲:۱۴ و ۱۵. و نیکویی او. اعمال رسولان ۱۷:۱۴ و مطمئناً حقایق دیگری نیز تلویحاً بیان شده‌اند. ما گناهکاریم. شریان مجازات خواهند شد. ما به ۲۷، ۲۶:۱۷. بخشش نیاز داریم. مردم مهم هستند. خدا دلیل زندگی است. و غیره.

اما بسیاری از حقایق و مفاهیم کلیدی هرگز صرفاً از طریق مکاشفه عمومی شناخته نمی‌شوند. تثلیث. عیسی.

مرگ نیابتی او. رستاخیز جسمانی او. عادل شمردگی از طریق ایمان

روح القدس. و دیگران. حتی بیشتر از آن، جدا از مسیح و وحی ویژه، ما دانش و حقیقتی را که به ما داده شده است، تحریف می‌کنیم.

متأسفانه، بدون مسیح، ما به سوی نور نمی‌رویم، بلکه از آن دوری می‌کنیم. ما حقیقت خدا را با بت‌پرستی عوض می‌کنیم و از مسیر خدا دوری می‌کنیم و به جای آن گناه آشکار را انتخاب می‌کنیم. آیا افراد نجات نیافته با توجه به نور وحی طبیعی نجات خواهند یافت؟ متأسفانه، پاسخ این سوال منفی است.

می‌خواهم کمی به این نکته اضافه کنم که یک الهیات طبیعی وجود دارد. برداشت من این است که الهیات طبیعی زیادی وجود دارد و همه آنها بت‌پرستانه هستند. مردم با نگاه به خلقت، الهیات دارند. انسان‌های اولیه الهیاتی داشته‌اند.

تضمین می‌شود که تحریف شده باشد. و در واقع، حقیقتی در آن نهفته است. وجود خدا یا خدایان

یه جورایی قلمرو ماوراءالطبیعه. اما خدای من. خب، بله، به تعداد انسان‌های روی کره زمین الهیات طبیعی وجود دارد.

میلیاردها نفر از آنها وجود دارند، اما آنها بت‌پرست هستند - صدهایی از کلیسای جهانی. پیمان لوزان حکمت واقعی را در مورد این مسائل نشان می‌دهد.

ما، اعضای کلیسای عیسی مسیح از بیش از ۱۵۰ ملت، خدا را به خاطر نجات عظیمش ستایش می‌کنیم. ما معتقدیم که انجیل، مژده خدا برای تمام جهان است و ما به لطف او مصمم هستیم که از مأموریت مسیح پیروی کنیم، آن را به همه بشریت اعلام کنیم و از هر ملتی شاگرد بسازیم. ما تأیید می‌کنیم که فقط یک ناجی و فقط یک انجیل وجود دارد.

ما اذعان داریم که هر کسی از طریق وحی عمومی خود در طبیعت، شناختی از خدا دارد، اما انکار می‌کنیم که این می‌تواند ما را نجات دهد، زیرا مردم با بی‌عدالتی خود حقیقت را سرکوب می‌کنند. ما همچنین هر نوع تلفیق، و گفتگو را که دلالت بر این دارد که مسیح به طور یکسان از طریق همه ادیان و ایدئولوژی‌ها سخن می‌گوید، به عنوان توهینی به مسیح و انجیل رد می‌کنیم.

بلکه، اعلام عیسی به عنوان ناجی جهان به معنای اعلام عشق خدا به جهان گناهکاران و دعوت از همه برای پاسخ به او به عنوان ناجی و خداوند در تعهد شخصی و صمیمانه توبه و ایمان است. می‌توانید آن را به صورت Lausanne Covenant، Lausanne و غیره پیدا کنید. عبارت www.lausanne.org آنلاین در را تایپ کنید Covenant.

می‌توانم بگویم کسی، کسی را ببینید که می‌گوید، این چیست؟ این ترکیب ادیان است. این، بنابراین من اخیراً ویدیوهایی از مردم در مکزیک دیدم؛ در برزیل، برده‌های بیشتری نسبت به ایالات متحده به برزیل برده شدند و بیشتر آنها جذب شدند و برزیلی شدند و بخشی از فرهنگ آفریقایی خود را از دست دادند، احتمالاً بخش‌هایی از آن را حفظ کرده‌اند. اما در یک بخش از برزیل، من یک بخش را از دست دادم و یک فرهنگ متمایز آفریقایی-برزیلی وجود دارد.

خب. و این شامل غذا هم می‌شود، که بعضی از آنها خیلی خوشمزه به نظر می‌رسند، اما متأسفانه، شامل کلیساهای کاتولیک رومی هم می‌شود، اما شامل چیزی هم می‌شود که ما در ادیان سنتی آفریقایی به آن

می‌گوییم، اما حالا آنها در برزیل هستند و مسیحی نیستند، و مردم می‌رقصند و غیره و کاهنانی دارند که ادعا می‌کنند با طرف مقابل ارتباط برقرار می‌کنند و چیزهایی از این قبیل. و این یک تلفیق بین کاتولیک رومی و یک دین سنتی آفریقایی است که به برزیل صادر شده است.

مردم خوش‌برخورد، دوستانه، جالب، و با این حال آنها درگیر بت‌پرستی هستند. کتاب مقدس پر از آموزه‌های صریح است که تنها عیسی نجات‌دهنده است و ایمان به مسیح تنها راه دریافت این نجات است. ما این را در یوحنا ۱۶:۳ و آیات بعدی می‌بینیم.

زیرا خدا جهان را آنقدر محبت کرد که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه حیات جاودان یابد. زیرا خدا پسر خود را به جهان نفرستاد تا جهان را محکوم کند، بلکه تا جهان به وسیله او نجات یابد. هر که به او ایمان آورد، محکوم نمی‌شود.

یوحنا ۱۸:۳، هر که به او ایمان نیاورد، از قبل محکوم شده است، زیرا به نام پسر یگانه خدا ایمان نیاورده است. و این حکمی است که نور به جهان آمده است، اشاره به عیسی. مردم تاریکی را بیشتر از نور دوست دارند، زیرا اعمالشان شیرانه است.

زیرا هر که کارهای بد انجام می‌دهد، از نور متنفر است و به سوی نور نمی‌آید، مبدا اعمالش آشکار شود. اما هر که راستی را به جا می‌آورد، به سوی نور می‌آید تا آشکار شود که اعمالش در خدا انجام شده است. در «یوحنا ۶:۱۴، عیسی گفت»: من راه، راستی و حیات هستم.

هیچ کس جز از طریق من نزد پدر نمی‌آید. و این سخنان یوحنا است. وقتی عیسی گفت، من راه هستم. منظورش این بود که او تنها ناجی، تنها واسطه بین خدا و انسان است.

در متن یوحنا ۱۴، پدر خانه‌ای در آسمان دارد و عیسی راه است. این یک کلمه یونانی است که به معنای راه یا جاده است. عیسی تنها راه به سوی خانه آسمانی پدر است.

یعنی، او تنها نجات‌دهنده است. یک چیز دیگر هم هست که من می‌گویم، من می‌گویم از این الگو پیروی کنید. عیسی صحبت می‌کند، و می‌گوید، من هستم، و بعد از آن یک حالت فاعلی گزاره‌ای، رستاخیز و حیات می‌آید.

من نور جهان هستم. در این مورد، من در گوسفندان یا دروازه‌ی گوسفندان هستم. این شبیه به گفته‌ی اوست که می‌گوید: من راه هستم.

او راه خانه آسمانی پدر است، که تصویری آسمانی است. عیسی تنها دروازه ورود به آغل گوسفندان است. دروازه‌ای زمینی. هیچ دروازه دیگری به جز عیسی برای ورود به آغل قوم خدا وجود ندارد.

او راه است، تنها نجات‌دهنده. او حقیقت است. این یعنی، اما برای یوحنا، این یعنی او وحی‌کننده‌ی خداست.

او خدا را به گونه‌ای بی‌سابقه می‌شناساند. هیچ کس هرگز خدا را ندیده است. یوحنا ۱۷:۱، یوحنا ۱۸:۱، تنها خدایی که نزد پدر است، او را شناسانده است.

کلمه جسم گردید و در میان ما ساکن شد. ۱:۱۴. و ما جلال او را دیده‌ایم، به خصوص در نشانه‌هایش.

همانطور که قبلاً در فصل دوم ذکر شد، جلال پسر یگانه پدر است که پر از فیض و حقیقت است. عیسی راه است، تنها ناجی جهان. او حقیقت است، آشکار کننده خداست.

او حیات است، حیات بخش است، کسی که به هر که به او ایمان آورد، حیات جاودان می بخشد. یوحنا ۲۴:۵ به راستی به شما می گویم، هر که کلام مرا بشنود و به فرستنده‌ی من ایمان آورد، می بینید، عیسی آنقدر آشکارکننده‌ی خداست که اگر کلام او را بشنوید و ایمان آورید، به پدر ایمان آورده‌اید. کسی که کلام مرا بشنود و به فرستنده‌ی من ایمان آورد، حیات جاودان دارد.

او به داوری نمی آید، بلکه از مرگ به حیات رسیده است. عیسی بخشنده‌ی حیات جاودان است. نه تنها چنین است، بلکه اکنون، در تجدید حیات، حیات می بخشد.

او می گوید، ساعتی فرا می رسد و اکنون فرا رسیده است که مردگان صدای پسر خدا را خواهند شنید و کسانی که می شنوند زنده خواهند شد. این اکنون در حال تجدید حیات است. برای یک ساعت از این تعجب نکنید زمانی فرا می رسد که همه کسانی که در مقبره‌ها هستند صدای او، صدای پسر انسان را خواهند شنید و بیرون خواهند آمد.

کسانی که نیکی کرده‌اند، رستخیز حیات و کسانی که بدی کرده‌اند، رستخیز داوری را در انتظار دارند. اعمال نجات نمی دهند و اعمال، واقعیت یا نادرستی ایمان را نشان می دهند. عیسی راه و تنها نجات دهنده است.

او حقیقت است، آشکارکننده‌ی خداست. او حیات است، حیات بخش است. او می گوید و با زنده کردن دوستش ایلعازر که چهار روز از مرگش گذشته بود، این را نشان می دهد.

یکی از خواهران می گوید، پروردگارا، پروردگارا، او بدبو خواهد شد. و پس از آن کلام، این کلمات نیز تکرار می شوند: آیا به تو نگفتم که اگر ایمان داشته باشی، جلال خدا را خواهی دید؟ در پرتو بوی بد مرگ، انجیلی وجود دارد که به دلیل زنده کردن و احیای لازاروس توسط عیسی، آشکار نشد.

این جلال خداست که در آن زمینه نفرت انگیز دیده می شود. بوی بد مرگ با جلال خدا در مسیح از بین می رود. اعمال رسولان ۱۲:۴، هیچ نام دیگری در آسمان در میان انسان‌ها داده نشده است که ما باید به وسیله آن به نام عیسی مسیح ناصری نجات یابیم.

رومیان ۱۳:۱۰ تا ۱۷. همان است. او تنها نجات دهنده‌ی جهان است.

هر که نام خداوند را بخواند نجات خواهد یافت. پولس از پیامبر عهد عتیق نقل قول می کند. او از یوئیل نقل قول می کند. زیرا هر که نام خداوند را بخواند نجات خواهد یافت ۲:۳۲.

تفاوت این است که برای یوئیل، این یهوه بود. برای پولس، این یهوه است که نامش عیسی است. چگونه کسی را که به او ایمان نیاورده‌اند، بخوانند؟ و چگونه به کسی که هرگز درباره‌اش نشنیده‌اند ایمان آورند؟ و چگونه بشنوند بدون اینکه کسی موعظه کند؟ و چگونه موعظه کنند مگر اینکه فرستاده شده باشند؟ همانطور که نوشته شده است، پاهای کسانی که مژده را موعظه می کنند چقدر زیباست؟ اشعیا این را گفته است.

قاصد می آمد، و به محض اینکه او را می دیدی، خبر خوشی می آورد. پاهایش واقعاً زیباست. اما حالا این حاملان انجیل هستند که پاهایشان زیباست.

اما همه آنها از انجیل اطاعت نکرده‌اند، زیرا اشعیا می‌گوید: «خداوند، چه کسی آنچه را که از ما شنیده است باور کرده است؟» (اشعیا ۵۲)، که بخشی از آن متن بزرگ ۵۳ است. بنابراین ایمان از شنیدن می‌آید و شنیدن از طریق کلام مسیح است. مسیح تنها وسیله دریافت نجات است.

اول یوحنا ۵ نمی‌توانست واضح‌تر از این باشد. بین دارا و ندار تمایز قائل می‌شود. آه، آنهایی که زیبایی دارند و آنهایی که ندارند؟ نه.

کسانی که ثروت زیادی دارند و کسانی که ندارند؟ نه. کسانی که قدرت زیادی دارند و کسانی که ندارند؟ نه. اینها چیزهایی هستند که ما برایشان ارزش قائلیم.

این چیزی است که خدا برایش ارزش قائل است. اول یوحنا ۵:۱۱ و ۱۲. و این شهادتی است که خدا به ما حیات جاودان داده است. و این حیات در پسر اوست. اول یوحنا ۵:۱۱، آیه ۱۲. هر که پسر را دارد، حیات دارد.

هر که پسر خدا را ندارد، حیات ندارد. هر چیز دیگری ممکن است در مورد او صادق باشد؟ اما باید توجه داشته باشیم.

بنابراین، ما همین الان گفتیم که وحی عمومی نجات نمی‌دهد. شما باید به عیسی ایمان داشته باشید تا نجات یابید. آیا این به معنای نقص در وحی عمومی است؟ نه، اینطور نیست، وحی عمومی همه چیز را آشکار نمی‌کند.

این کتاب تثلیث یا انجیل را آشکار نمی‌کند، اما نه، هیچ چیز ندارد. می‌توان گفت چیزی در آن کم است، اما هیچ چیز اشتباهی در آن نیست. اما باید توجه داشته باشیم که هیچ چیز اشتباهی در مکاشفه عمومی وجود ندارد، زیرا اصیل و واضح است و به طور مؤثر حقایق بسیاری را در مورد خدا بیان می‌کند.

مشکل نه وحی عمومی است و نه دهنده آن. بلکه مشکل در دریافت‌کنندگان آن، یعنی انسان‌های سقوط کرده، نهفته است. در حالی که رومیان ۱ نشان می‌دهد که مردم باید از طریق وحی عمومی به خدا پاسخ مثبت دهند.

رومیان ۱ و ۳ تعلیم می‌دهند که همه گناهکارند زیرا هیچ کس به خودی خود به این شکل واکنش نشان نمی‌دهد. خدا از همه انسان‌ها می‌خواهد که عادل باشند. ۱:۱۸. اما هیچ کس عادل نیست، حتی یک نفر.

رومیان ۳:۱۰. از طریق خلقت، همه خدا و حقیقت او را می‌شناسند. رومیان ۱:۱۹ تا ۲۱. اما رومیان ۳:۱۱. هیچ کس نیست که بفهمد.

خدا شهادت می‌دهد تا انسان‌ها او را بجویند. اعمال رسولان ۱۷:۲۷. رومیان ۱:۱۸ تا ۲۱. اما جدا از فیض. هیچ کس خدا را نمی‌جوید.

رومیان ۳:۱۱. حتی یکی هم نه. انسان‌ها باید از خالق بترسند، او را دوست داشته باشند، از او تشکر کنند و او را پرستند. رومیان ۱:۲۱ تا ۲۵. اما آنها او را با بت‌هایی که شبیه مخلوق هستند، معاوضه می‌کنند و هیچ ترسی از خدا در مقابل چشمانشان ندارند. رومیان ۱:۲۳ تا ۲۵. رومیان ۳:۱۸. این یک مبادله وحشتناک است.

خدا را با تصاویر عوض کنید. حقیقت خدا را با دروغ عوض کنید. این شورش و گناه ناشی از آن، جهانی است.

پولس تأکید می‌کند که مشکل نه در خدا یا وحی عمومی او نهفته است. پولس تأکید می‌کند که مشکل نه در خدا یا وحی عمومی او، بلکه در انکار جهانی هم خدا و هم وحی عمومی او نهفته است. وحی عمومی چه ارتباطی با مأموریت‌ها دارد؟ آنچه این سؤال را برمی‌انگیزد، عمل پولس در بشارت دادن به وحی عمومی است.

پولس هنگام موعظه درباره عیسی برای یهودیان دیگر، با استناد به عهد عتیق، به او به عنوان کسی که شریعت و پیامبران را به انجام می‌رساند، اشاره می‌کند. به اعمال رسولان ۱۳:۱۳ تا ۵۲ مراجعه کنید. اما هنگام موعظه برای مردم از ادیان دیگر، پولس انجیل را در چارچوب وسیع‌تری قرار می‌دهد.

در اعمال رسولان ۸:۱۴ تا ۱۸، دیدیم که پولس ابتدا به خدا به عنوان خالق و به شهادت او در مکاشفه عمومی اشاره می‌کند. در اعمال رسولان ۱۶:۱۷ تا ۳۱، همانطور که دیدیم، او به همین ترتیب خدا را به عنوان خالق و ذات واقعی او و شهادت او از طریق خلقت و مشیت برجسته می‌کند. بنابراین، برای پولس، مکاشفه عمومی برای رستگاری کافی نیست، اما نقطه شروع مهمی برای انجیل است.

پیش از رسیدن مبلغان مذهبی، خدا در حال کار است و وجود و جلال خود را به کافران ابلاغ می‌کند. مزموور ذات الهی، قدرت و نقش او به عنوان خالق. رومیان ۱:۲۰، قدوسیت، عدالت و عمل داوری او از ۱:۱۹. طریق شریعتی که بر قلب نوشته شده است.

رومیان ۱۴:۱۵ و نیکویی او. اعمال رسولان ۱۷:۱۴، اعمال رسولان ۱۷:۲۶ و ۲۷. مبلغان مذهبی با به اشتراک گذاشتن انجیل، این ارتباط قبلی را تکرار، روشن و گسترش می‌دهند.

مبلغان مذهبی از صفر شروع نمی‌کنند، بلکه بر اساس نقطه تماسی که خداوند در مکاشفه عمومی خود با کافران برقرار کرده است، کار خود را پیش می‌برند و مؤمنان را ترغیب می‌کنند که با ایمان به مسیح روی آورند. بدین ترتیب، سخنرانی‌های مربوط به مکاشفه عمومی به پایان می‌رسد. شناخت خدا از طریق مکاشفه خاص.

همانطور که از عبرانیان ۱:۱ و ۲ اشاره شد، بین وحی در عهد عتیق و عهد جدید تمایزاتی وجود دارد، اما ما نباید وحدت اساسی وحی خدا در عهد عتیق و عهد جدید را نادیده بگیریم. مدت‌ها پیش، بارها و به طرق خدا توسط پیامبران با پدران ما سخن گفت. اما در این روزهای آخر، او از طریق پسرش با ما، ESV، مختلف سخن گفته است، که او را وارث همه چیز قرار داده است، و از طریق او جهان را نیز آفریده است.

بله، همانطور که قبلاً دیدیم، تفاوت‌هایی وجود دارد، مانند تضادهای بزرگ، اما یک وجه مشترک هم وجود دارد. مدت‌ها پیش، خدا با پدران سخن گفت. در این روزهای آخر، او از طریق پسرش با ما سخن گفته است.

خدا خود را در عهد عتیق و جدید آشکار می‌کند. او نویسنده‌ی وحی کتاب مقدس است. او وحی‌کننده، خدای سخنگو است.

در واقع، اگرچه در سراسر کتاب مقدس، به ویژه از عهد عتیق و جدید، وحی تدریجی وجود دارد، اما وحی عهد عتیق و جدید یکپارچه است زیرا همه آنها کلام الهی خدا هستند. ممکن است به سرعت با کلمات انسانی اضافه کنم. همچنین از عبرانیان ۱: ۱ و ۲ مشخص است که وحی خدا تدریجی است.

یعنی او به تدریج و در طول زمان خود را به قومش آشکار می‌کند. خدا از طریق پیامبران سخن گفته و از طریق پسرش نیز سخن گفته است. ماهیت تدریجی وحی ناگزیر با ارائه تدریجی آن به انسان‌ها توسط خدا در طول تاریخ گره خورده است.

هم وحدت و هم ماهیت مترقی وحی خداوند در سخنان آشنای عیسی، متی ۱۷: ۵ و ۱۸، برجسته است. در بخشی از خطبه بالای کوه، خداوند ما فرمود: گمان مبرید که آمده‌ام تا شریعت یا نوشته‌های پیامبران را باطل کنم. نیامده‌ام تا باطل کنم، بلکه آمده‌ام تا آنها را به کمال برسانم.

زیرا به راستی به شما می‌گویم، تا آسمان و زمین از میان نرود، ذره‌ای یا نقطه‌ای از شریعت از میان نخواهد رفت تا همه به انجام رسد. ما وحدت وحی را از سه طریق می‌بینیم. عیسی تعلیم می‌دهد که او شریعت و انبیا را منسوخ نمی‌کند، بلکه به کمال می‌رساند.

این وحی عهد عتیق است. ادعای واضح او در مورد جاودانگی شریعت و انبیا و تأکید او بر اینکه همه اینها محقق خواهد شد. بنابراین، از سه طریق

او نیامده تا نابود کند، بلکه آمده تا کامل کند. اولاً، او می‌گوید، تا زمانی که نقطه و نقطه‌ای از بین نرفته، حتی یک نقطه و نقطه هم از بین نخواهد رفت. یعنی، این دائمی است.

تا زمانی که همه چیز به انجام برسد، یعنی او بر این واقعیت تأکید می‌کند که آن امر به انجام خواهد رسید یا به انجام خواهد رسید. خداوند اهدافی را که برای آنها کلام خود را بیان کرده است، به انجام خواهد رساند. ماهیت مترقی چنین وحی نیز واضح است.

شریعت و پیامبران در عیسی به سوی تحقق پیش می‌روند. وحی عهد عتیق، انواع. من می‌خواهم در اینجا از استاد سابق الهیات سیستماتیک خود، رابرت جی. دانسوایلر، که اکنون نزد خداوند است، قدردانی کنم. او در مدرسه الهیات کتاب مقدس در هتفیلد، پنسیلوانیا تدریس می‌کرد و تأثیر خود را بر بسیاری از ما، بر همه ما که زیر نظر او درس خواندیم، گذاشت.

او قطعاً از نظر روش و بزرگی‌اش آن را در من به جا گذاشته است. امیدوارم که من هم برخی از رفتارهای مهربانانه او را هنگام برخورد با دیگران، به خصوص کسانی که با ما مخالف هستند و غیره، نشان داده باشم. تنوع.

خداوند در عهد عتیق به طرق مختلف خود را آشکار می‌کند. عبرانیان ۱: ۱. این موارد شامل تجلیات الهی رؤیاهای و خوابها، اوریم و تمیم، قرعه‌کشی، معجزات، کلام سمعی و اظهارات نبوی می‌شود. ما هر یک از این موارد را به نوبت بررسی خواهیم کرد.

تجلیات الهی، تجلیات خداوند بر حواس انسان، به ویژه بینایی هستند. خدای نامرئی با ظاهر شدن بر موسی در بوته‌ای سوزان، خود را مرئی می‌کند، خروج ۳: ۱-۶. چقدر موسی شگفت‌زده شد. او قبلاً هرگز بوته‌ای مانند این ندیده بود.

خداوند به موسی گفت: «اکنون خواهی دید که با فرعون چه خواهیم کرد. زیرا او با دست قوی، قوم مرا بیرون خواهد فرستاد و با دست قوی، آنها را از سرزمین خود بیرون خواهد راند.»

خدا با موسی سخن گفت و فرمود: «من خداوند هستم. من به ابراهیم، اسحاق و یعقوب به عنوان خدای.» قادر مطلق ظاهر شدم. اما به نام خداوند، خود را به آنها نشناختم.

من همچنین عهد خود را با آنها بستم تا سرزمین کنعان را به آنها بدهم. و من در فصل اشتباه می‌خوانم، عذر می‌خواهم. فصل ۳ از سفر خروج.

و موسی گله پدرزنش یترون، کاهن مدیان، را می‌چراند. و گله خود را به جانب غربی بیابان راند و به حوریب، کوه خدا، رسید. و فرشته خداوند در شعله آتش از میان بوته‌ای بر او ظاهر شد.

او نگاه کرد و دید که بوته در حال سوختن است، اما سوخته نشده است. و موسی گفت: «من به کناری می‌روم تا این منظره‌ی عظیم را ببینم، چرا بوته سوخته نمی‌شود.» وقتی خداوند دید که او برای دیدن به کناری می‌رود، خدا او را از میان بوته صدا زد، ای موسی، ای موسی

و او گفت: «اینک من اینجا هستم.» سپس گفت: «نزدیک نیا، کفش‌هایت را از پاهایت بیرون بیاور. زیرا «مکانی که در آن ایستاده‌ای، زمین مقدس است»

و او گفت من خدای پدرت، خدای ابراهیم، خدای اسحاق و خدای یعقوب هستم. و موسی روی خود را پوشاند زیرا از نگاه کردن به خدا، حتی به این ظهور مرئی خدا، می‌ترسید. آنجا زمین مقدس بود زیرا خدا خود را در آنجا آشکار می‌کرد.

یک ثانیه پس از آنکه خدا حضور خود را در آنجا آشکار نکند، دیگر آن سرزمین مقدس نیست. و من دوست دارم به شوخی بگویم، اگر این اتفاق امروز می‌افتاد، موسی یا کس دیگری شیشه‌های کوچکی از شن، شن مقدس و غیره می‌فروخت. و این مسخره خواهد بود.

تئوفانی‌ها ظهور خدای نامرئی بر انسان‌ها هستند. خدا خود را به صورت چیزی شبیه به یک ستون، ستونی از ابر در روز و ستونی از آتش در شب، به بنی‌اسرائیل آشکار کرد. خروج ۱۳:۳۱

و اشعیا خداوند را دید. یک لحظه صبر کنید. خدا نامرئی است.

این تمام نکته‌ی یک تئوفانی است. خدای نامرئی تا حدی قابل مشاهده می‌شود. اشعیا او را به عنوان پادشاهی بر تخت خود دید.

در سالی که عزیزی پادشاه درگذشت، اشعیا ۶، خداوند را دیدم که بر تختی بلند و رفیع نشسته بود. و دامن او دامن ردایش، معبد را پر کرده بود. بالای سر او سرافین ایستاده بودند.

هر کدام شش بال داشت. با دو تا، صورتش را می‌پوشاند و با دو تا، پاهایش را

با دو نفر، پرواز کرد. و یکی دیگری را صدا زد و گفت: قدوس، قدوس، قدوس خداوند لشکرها. تمامی زمین از جلال او مملو است.

و پایه‌های آستانه از صدای او که صدا می‌زد، لرزید. و خانه پر از دود شد. و من گفتم: وای بر من، زیرا هلاک شده‌ام.

زیرا من مردی ناپاک لب هستم و در میان مردمی ناپاک لب ساکنم. زیرا چشمان من پادشاه، خداوند لشکرها را دیده است. این فقط سه مثال است.

بوته سوزان. اشعیا خداوند را در اوج و مقام والا دید. خدا با لطف خود اسرائیل را هدایت کرد و بر اسرائیل ظاهر شد.

روز و شب در ستون ابر، در ستون آتش. خدای من، آنها با چراغ خواب روشن به رختخواب رفتند. چراغ خواب بزرگ.

اوه، پسر. رؤیایها و خوابها وسیله‌هایی هستند که خداوند از طریق آنها اراده خود را به مقدسین عهد عتیق از جمله دانیال، آشکار می‌کند. در رؤیایی در دانیال ۱۰، ۴ و ۵. و در خوابی در پیدایش ۲۸ به یعقوب

دانیال ۴: ۱۰ تا ۹. در روز بیست و چهارم ماه اول، هنگامی که در کنار رودخانه بزرگ دجله ایستاده بودم، چشمانم را بالا آوردم و نگاه کردم و مردی را دیدم که لباس کتانی به تن داشت و کمربندی از طلای ناب اوفاز به کمر بسته بود. بدنش مانند آتش، چهره‌اش مانند برق، چشمانش مانند مشعل‌های آتشین، بازوها و پاهایش مانند برق برنز و صدای سخنانش مانند صدای جمعیت زیادی بود. و من، دانیال، تنها آن رؤیا را دیدم، زیرا مردانی که با من بودند آن رؤیا را ندیدند.

اما لرزه‌ای عظیم آنها را فرا گرفت و گریختند تا خود را پنهان کنند. پس من تنها ماندم و این رؤیای بزرگ را دیدم و هیچ نیرویی در من باقی نماند. ظاهر درخشان من به طرز وحشتناکی تغییر کرد و هیچ نیرویی در من باقی نماند.

آنگاه صدای سخنان او را شنیدم، و همین که صدای سخنانش را شنیدم، به روی خود در خوابی عمیق افتادم و صورتم به زمین افتاد. رؤیای یعقوب در پیدایش ۱۷: ۲۸، ۱۰ تا ۱۷ ثبت شده است. پس از این، تا سخنرانی بعدی‌مان استراحت خواهیم کرد.

ما به روش‌های مختلفی که خدا خود را در عهد عتیق آشکار می‌کند، یعنی روش‌های مختلف وحی ویژه، نگاه می‌کنیم. این وحی‌ها برای همه مردم در همه زمان‌ها نیست، بلکه برای قوم خدا در زمان‌ها و مکان‌های خاص است. یعقوب در راه رفتن به لابان، خوابی می‌بیند.

یعقوب از بئرشبع به سوی حران حرکت کرد. به مکانی رسید و شب را در آنجا ماند، زیرا خورشید غروب کرده بود. یکی از سنگ‌های آنجا را برداشت و زیر سر خود گذاشت و در همان جا دراز کشید تا بخوابد.

و او خوابی دید، و خوابی دید، که ناگاه نردبانی بر زمین برپا شده بود، و سرش به آسمان می‌رسید. و اینک فرشتگان خدا بر آن بالا و پایین می‌رفتند. و ناگاه خداوند بر فراز آن ایستاده گفت: «من هستم یهوه، خدای ابراهیم، پدرت، و خدای اسحاق، زمینی را که بر آن آرمیده‌ای به تو و به نسل تو خواهم داد.»

نسل تو مانند غبار زمین خواهد بود. تو به غرب و شرق و شمال و جنوب منتشر خواهی شد. و از تو و از نسل تو، همه قبایل زمین برکت خواهند یافت.

اینک من با تو هستم و هر جا که بروی تو را محافظت خواهم کرد و تو را به این سرزمین باز خواهم گرداند زیرا تا آنچه را که به تو وعده داده‌ام به جا نیاورم، تو را ترک نخواهم کرد. آنگاه یعقوب از خواب بیدار شد و «گفت: «یقیناً خداوند در این مکان است.»

و من نمی‌دانستم. و او ترسید و گفت: «این مکان چقدر ترسناک است؟ این چیزی جز خانه خدا نیست. و این «دروازه آسمان است.»

در سخنرانی بعدی به بررسی ابزارهای عهد عتیق برای وحی خاص خواهیم پرداخت.

این سخنرانی دکتر رابرت ای. پترسون در تدریس خود در مورد مکاشفه و کتاب مقدس است. این جلسه ۹

الهیات مکشفه عمومی، شناخت خدا از طریق مکشفه خاص، انواع عهد عتیق، عبرانیان ۱: ۱-۲ است